



۲۰۱۷/۰۸/۲۸

حنیف رهیاب رحیمی

## بزودی مشاور مقرر می شم!

بالاخره ستاره اقبال از زیر ابر های تاریک نا امیدی رویش را نمایان و به سوی ما هم یک لبخندی زد. خاد پرسیدین چطور؟ دیروز همین طور که مثل هر روز در بین فیسبوک سرگردان بودم، دفعتاً خواندم که یک دوست فیسبوکی ام (البته حالا خیلی شیرینتر از قبل شده!) در کابینه دولت انتقالی جمهوری اسلامی افغانستان به صفت وزیر کار و کارگر انتخاب شده و روزی که این جمهوری انتقالی اسلامی، اشتراک حکومت را بدست بگیرد، همان روز دوست عزیز من هم وزیر وزیر است. حالی خاد گفتین که ای کدام حکومت است؟ می خواهم خوش خبری بدهم تان که، تشکیل یک حکومت در بیرون از افغانستان به یک هموطن گرامی ما الهام شده و ایشان در ظرف کمتر از یکماه، هزار بار نام خدا اینه کابینه ره هم تشکیل و رسماً اعلان کردند.

با خواندن این خبر، فوراً یک پیام فیسبوکی را طرف دوستم که وزیر میشه گزله کدم و خوده بیادش دادم و خوشبختانه او هم بالای مه حساب کده بود و مره خوب دلداری داد. خودش نام خود را از زبان مبارک خود جلالتمآب رئیس جمهور، در وقت اعلان کابینه، به گوش خود شنیده بود، چون پای منفعت خودم هم در میان بود، من پیچ رئیس صاحب جمهور را که از قطر بروت هایش حدس زدم یک شخص بی باک و دلاور و غیرتی است پیدا کردم و بیانیه فیسبوکی اش را تا آخر گوش کردم تا نام دوستم را شنیدم و یقین خود را صد در صد حاصل کردم.

وزیر شدن ولو هنوز در خام کوک هم باشه، بسیار شوق داره و دوستان چه که حتی دشمنان هم همراهی آدم با مهربانی و احترام برخورد می کنن. و یک خوبی کلانش ایست که دگه تا آخر عمر مردم به نام وزیر صاحب می شناسن. ولو که چند سال بعد از وزارت، پیاده دفتر هم مقرر شوی (صدها مرتبه دور از جان وزیر صاحب ما)، مردم وزیر صاحب صداقت می کنند. که این فایده اش همان ضرب المثل را به یادم آورد که: « نام رستم، به از رستم ».

دوباره از دریچه فیسبوک وزیر صاحب جدید کار و کارگر، کله کشک کردم تا ببینم دگه چه گپاس، دیدم که بسیاری رفیق هایش از مه پیشتر تبریکی داده و به گردن صفحه اش گل انداخته بودند. کمی وارخطا شدم که دیر کرده ام و شاید با این تغافل غیر قصدی چوکی ره از دست داده باشم اما چون خودش برایم خاطر جمعی داد، به خواندن پیام های دیگر دوست هایش خوده مصروف ساختم:

یکی نوشته بود: چوکی ریاست شفاخانه اندراگاندی از خودم اس. (چون فرمایش داده، فامیدم که رفیق بسیار نزدیک وزیر صاحب اس.)

دیگری احترامانه تقاضا کرده بود: وزیر صاحب مه از دورهٔ مکتب، کار کردن هم‌رای هوشیار هاره خوش ندارم،  
علاقه دارم که در دارالمجانین علی آباد رئیس شوم.

یک دوست دیگه تنها نوشته بود: ههههههههه

باز وزیر صاحب بریش اخطار داده بود که خنده نکو که چوکی معینیت را از دست دادی.....

دوست دیگرش که طمع بالاتر داشت نوشته: برای چوکی معینیت اگه نفر کار داشتی مه از یادت نرم...

و وزیر صاحب در زیرش از پلان کاری خود اطمینان داده بود که: چرت ته خراب نکو مه به هدایت رئیس صاحب  
جمهور، بالای تشکیل جدید کار ره شروع کردیم، به سه معین کمر بسته و شکم کته، شش رئیس عمومی که باید سرهای  
شان تاس و سن های شان از ۵۰ بالا باشد و .... ضرورت عاجل وجود دارد و جای خوشی در اینست که در تقرری  
های حکومت جدید تحصیل، قوم، منطقه، لسان و مذهب مهم نیست. کاندیدها را باید شخص رئیس جمهور از نزدیک  
بشناسد و شرایط زیر را داشته باشد:

«از دو خانم کمتر نداشته باشد، زیاد تر از آن هر قدر که باشد پروا ندارد - قرضدار نباشد - ریش اش کمتر از یک  
قبضه باشد - در عمر خود راست نگفته باشد - تابعیت دوگانه حتماً داشته باشد، در فلاش و بترنو دستش خوب بگرده،  
دکمهٔ آخر یخن قاقش بسته شوه که رئیس صاحب جمهور با دیدن غار پیشروی مردها از درز دکمه بسیار حساسیت  
دارد و غیره..»

هرکس که دارای شرایط فوق بود، چوکی مبارکش باد.

یک دوست دیگر پرسیده که، آقای رئیس جمهور جناب شما ره از کجا پیدا کد و غیر شربت انگور دیگه چه مینوشه  
به خاطری که عین و غین در دو سال فقط یک کابینهٔ معیوب و ناقص الاعضاء را جور تانستند اما این آقای رئیس  
جمهور شما حتی پیش از گرفتن قدرت خرمن کابینه اش را با چار شاخ باد کرد؟

و وزیر صاحب به خاطر اینکه یک راز سر پوشیده و مهم دولتی بدست مردمان بی مسئولیت و بی اعتبار فیسبوک  
نیافتند، جواب این هموطن مارا با یک تبسم ساختگی ارائه نموده بود.

کامنت های دوستان و تبریکی ها خیلی به سرعت جریان دارد و مه بعد از اینکه دلم جمع شد، آدمم که شما دوستا ره  
خبر بتم که ده آیندهٔ نزدیک برای ارسال پیام های فیس بوکی آمادگی بگیرین. چاره نیس چوکی بلند را وعده کرده.  
باز مه هم یکرقم غم تانه می خورم.

(نمی خواستم افشاء کنم اما اگر نگویم دلم می ترکد: وزیر انتخابی کار و کارگر حکومت انتصابی جمهوری انتقالی  
اسلامی افغانستان، دوست عزیز ما آقای رومل جان بلوچزاده است و شخص رئیس جمهور محترم صدیق متین. نوش  
جان شان.

و تا اشغال چوکی گپ پیش خود تان باشه که خصوصیت، بنده مشاور دست راست وزیر صاحب در امور خرچ و  
خوراک دعوت ها و مهمانی روزهای عید و برات هستم.)

(با هوووووووووووووووووووو)